

جمال شورهج (فیلمساز)

یدالله صمدی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

**«شاهزاده روم»** از روز ۱۳ آبان روی پرده سینماها رفت. بین این اثر و آن تاریخ، شباهت‌های زیادی دیده می‌شود. هم حماسه ۱۳ آبان توسط نسل جوان انقلابی به وقوع پیوست هم فیلم شما، ۱۳ آبان روز نجات است. داستان «شاهزاده روم» هم به منتهی بشریت مربوط می‌شود. این یک تعبیر جالب و جدید است. همزمانی اکران این اثر با یوم الله ۱۳ آبان یک اتفاق فرخنده بود.این مناسبت برای اکران فیلم به ما انگیزه داد. به ویژه اینکه ۱۳ آبان روز دانش آموز هم هست و فیلم ما هم برای مخاطب کودک و نوجوان است. خوشحالیم از اینکه برای نسل کودک و نوجوان قدم کوچکی برداشته‌ایم. «شاهزاده روم» نسبت به فیلم‌های انیمیشن سینمایی قبلی تولید داخل کنشور درخشش غیرقابل قیاسی یافته است. این اثر هم با تحسین و جوایز داوران جشنواره فیلم فجر مواجه شد و هم این روزها با استقبال خوبی از سوی مردم همراه شده است. چه ویژگی‌هایی منجر به این تفاوت شد؟

ما سعی کردیم در این پروژه، بخشی از توان و پتانسیل انیمیشن کشور را به نمایش در بیاوریم. البته این همه توان ما نیست. به هر حال، کار در بخش خصوصی انجام شد و محدودیت بودجه و زمان برای ما مشکلاتی را ایجاد کرد. اما با وجود این محدودیت‌ها گروه سازنده «شاهزاده روم» یک حداقل استاندارد داشت. کیفیت را برای این پروژه در نظر گرفت.فیلم‌های انیمیشن قبلی، فاصله زیادی با انیمیشن روز جهان داشتند. ما سعی کردیم در این پروژه طوری عمل کنیم که حداقل هر کس کار را می‌بیند بگوید که ما هم می‌توانیم این گونه آثار را تولید کنیم. هر چند قبول دارم که تقاضی هم در کار وجود دارد.

چه قابلیت‌های فنی و تکنیکی برای اولین بار در ایران در «شاهزاده روم» به کار رفته است؟

همان طور که گفتیم، ما سعی کردیم حداقل استانداردها را در تولید این انیمیشن رعایت کنیم. یعنی همان مرحله‌ای که در دنیا برای تولید انیمیشن انجام می‌شود را طی کردیم. از ایده پردازای و استوری برد گرفته تا طراحی کاراکتر و ساخت موسیقی و… همه این مراحل را مطابق استانداردهای روز جهان اجرا کردیم. هدف ما هم این بود که همه این مراحل را جدی و درست انجام بدهیم، اما در محدوده زمانی بسیار کم. گروه سازنده کار برای خود این خط قرمز را گذاشت که مطابق اصول و استانداردها پیش برود. همچنین تجربه سال‌های گذشته و ساخت سریال‌ها و آثار قبلی هم به کمک ما آمد.

همیشه در فضای فرهنگی کشور ما القا می‌شود که با تفکر و روحیه انقلابی و حزب الهی نمی‌توان در عرصه هنرهای مدرن و جدید مثل سینمایی و انیمیشن و … موفق بود. اما گروه شما که متشکل از جوانان انقلابی است، امروز تلاطم‌ها را انیمیشن در ایران شده است.

البته من دایره بچه‌های انقلاب را وسیع‌تر می‌دانم. به نظر من هر کس در کشور کار می‌کند و در حوزه‌های مختلف در حال خدمت به جامعه است، انقلابی محسوب می‌شود. اما این معضل وجود دارد؛ نه فقط حزب الهی‌ها بلکه به‌طور کلی بچه‌های ایرانی در این عرصه دست کم گرفته می‌شوند و متأسفانه در عرصه هنر به آنها اعتماد نمی‌شود. این نگاه در عرصه‌های علمی کمتر است؛ در آن بخش به بچه‌ها اعتماد شد و نتیجه این اعتماد را هم دیدیم که به رشد چشم‌گیر علمی کشور منجر شد. اما در فرهنگ، این اعتماد بسیار کمتر بوده است. شاید یکی از دلایل این بوده که ما مسهور آثار غربی هستیم و فکر می‌کنیم که خودمان هیچ گاه نمی‌توانیم کار خوبی تولید کنیم. اما این اشتباه بزرگی است. همان طور که در عرصه علمی توانستیم به موفقیت‌های بزرگی برسیم، در عرصه فرهنگ هم می‌توانیم. منتها باید به جوان‌ها اعتماد و از آنها حمایت شود؛ به ویژه از سوی مسئولان و بعد از طرف خود سینماگران و خانواده‌ها. این اعتماد و حمایت باید اتفاق بیفتد. بسیاری از خانواده‌های ایرانی رعیتی ندارند برای اینکه فرزندانها به سمت بپرورند. چون به این عرصه اعتماد ندارند، به هر حال، برای همه پدر و مادرا، فارغ از اینکه چه گرایش فکری و سیاسی دارند، آینده فرزندانشان مهم است. خانواده‌های ایرانی، امروز نسبت به سینما چیجه دارند و فکر می‌کنند که فضای سینمایی کشور سالم نیست. به نظر من اشتباه می‌کنند. حداقل می‌توانیم بگوییم که در عرصه انیمیشن، فضا بسیار سالم است و هم افرادی که در این عرصه کار می‌کنند و هم پشت صحنه فعالیت آنها واقعا سالم است. خانواده‌ها نباید موفقیت را فقط در پزشکی و مهندسی ببینند. اگر فرزندانشان علاقه و استعداد دارند، حتما می‌توانند در عرصه هنر هم به موفقیت برسند.

یعنی مسئولان دولتی از شما حمایت نکرده‌اند؟

واقعیت این است که مسئولین فرهنگی چه در بخش دولتی و چه نهادهای غیردولتی که متصل به بودجه هستند، هیچ کدام از این پروژه حمایت نکردند. بخششی از بودجه فیلم توسط افراد حقیقی که به موضوع پروژه ارادت داشتند تامین شد البته بعد از نتیجه دادن پروژه، برخی از نهاد ها در حال حمایت هستند که یکی از آنها هم صداوسیماست.

**انیمیشن، یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت‌های غربی برای تبلیغ سبک زندگی و ایدئولوژی مدنظر خودشان است. با توجه به این واقعیت،**



**در روزهای سرد بهمن سال قبل و در خیل فیلم‌های ناامیدکننده و کسالت آور سی وسومین جشنواره فیلم فجر، انیمیشن «شاهزاده روم» همه را غافلگیر کرد. با وجودی که طبق مقررات، آثار انیمیشن امکان حضور در بخش اصلی جشنواره فجر را ندارند، اما کیفیت «شاهزاده روم» در سطحی بالاتر از انیمیشن‌های ایرانی بود و این موضوع، برگزارکننده‌های جشنواره فجر را مجاب کرد که این اثر را در بخش خارج از مسابقه بپذیرند و دو جایزه به آن اهدا کنند. «هادی محمدیان» کارگردان «شاهزاده روم» ۳۳ سال سسن دارد. او پیش از این سریال‌های انیمیشن «دره زنجبیل» و «بینا و دینا» و انیمیشن‌های کوتاه «مردی که خودش را کشت» و «پرواز تا بی‌نهایت» را ساخته بود. نام او پیش از این به عنوان یکی از پرندگان جشنواره فیلم عمار شنیده شده بود. اما کار جدید او یعنی «شاهزاده روم» حرکت بزرگی در پیشرفت هنر انیمیشن در ایران است. این اثر حاصل همکاری گروهی از جوانان انقلابی در قالب موسسه‌ای غیردولتی به نام «هنر پویا» است. جوان‌هایی که امروز، طلایه‌دار پیشرفت هنر انیمیشن در ایران شده‌اند. «شاهزاده روم» یادآور این سخن شهید آوینی در مقاله «فرزندان انقلاب در برابر عرصه‌های تجربه نشده سینما» است که «جازه دهید که امید ما برای آینده سینمای ایران جز به هنرمندان مومن خشنوکن نباشد. امام بت‌شکن بود و بسپجی‌ها به تبعیت از ایشان، خشنوکن؛ و سینمای متعهد ما نیز باید خاکرزب‌های تثبیت شده سینمای غرب را بشکند و راهی تازه باز کند.»**



**گفت‌وگو با هادی محمدیان، کارگردان انیمیشن «شاهزاده روم»**

# فرزندان انقلاب، طلایه‌دار عرصه‌های تجربه نشده سینما

آرش فهیم

همه آثار ما درونمایه انسانی دارند، منتها این درونمایه در فضای فکری و ایدئولوژیک خودشان شکل می‌گیرد.

اگر مسائل ایدئولوژیک را کنار بگذاریم، می‌توان از زاویه دیگری

بسه این موضوع توجه کرد. اینکه ما از فیلم‌هایی که در کشورهای

غربی ساخته می‌شود، لذت کافی نمی‌بریم، چون دنیایی که در آثار

خود می‌سازند و حسی قصبه به معنای درام و چیزی که مخاطب

را به وسیله آن سرگرم می‌کنند، بر مبنای روابط انسانی و اجتماعی

خودشان خلق می‌شود. به همین دلیل هم ما با فیلم‌های خودمان بیشتر ارتباط برقرار می‌کنیم و آثار داخلی تأثیرش هم بیشتر است.

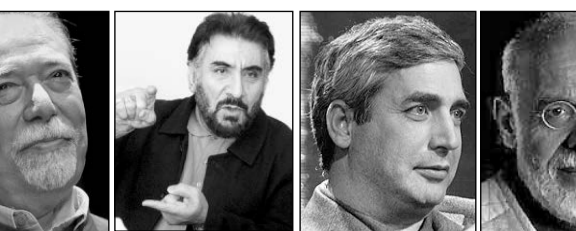
**نسبت انقلاب اسلامی با انیمیشن چیست؟ چطور می‌توانیم با انیمیشن، کار انقلابی کنیم؟**

مسئما انیمیشن، رسانه‌ای بسیار قدرتمند برای تأثیرگذاری فرهنگی بر مخاطب کودک و نوجوان است. ما زمانی قوی‌تر از این زبان نداریم. هیچ عرصه‌ای به این قوت نیست. اما باید پذیریم که ابتدا مولفه‌های سرگرمسازی رعایت شود



استفاده خانواده‌های ایرانی از انیمیشن‌های غربی برای سرگرم کردن فرزندانشان تأثیر منفی ندارد؟

مسلم است که ما با دنیای غرب، تفاوت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک داریم. همان طور که ما در آثار خودمان ایدئولوژیک هستیم، آنها هم در فضای ایدئولوژیک خودشان حرکت می‌کنند؛ انتظاری جز این نیست. مشخص است که گرایش ایدئولوژیک آنها برای میل ما نیست. هر چند نمی‌توان به‌طور مطلق گفت که همه مولفه‌های انیمیشن‌های غربی غیرانسانی است. آنها مقتل (کتابهایی در شرح شهادت امام حسین علیه‌السلام و اصحاب آن حضرت)، منظومه‌های حماسی – مذهبی درباره شهادت امام‌حسین(ع) و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام، از مهم ترین منابع تفریح‌نامه‌هاست. برخی ازمنظومه‌های مهم حماسی از این‌جسام‌فهرستی خوشفنی که سرودن آن در ۸۳۰ خاتمه یافته است، جمله حدیثی سروده میرزا اسدالله قزوینی است: «مذنبی اینهاست: خوارانامه از این‌جسام‌فهرستانی خوشفنی که سرودن آن در ۴۰ سال پیش، استاد غلامعلی کاشانی، وصل شیرازی و شمس‌الدین محمد کاتبی‌ظاهرا مهم‌ترین منبع نضال‌نامه‌ها کتاب منثور روضه الشهدا نوشته کمال واعظ کاشفی سبزوری (متوفی ۹۱۰) است؛ زیرا مطالب برخی از تفریح‌نامه‌ها شباهت‌های فراوانی با مطالب این کتاب دارند. در این میان و روحانیان و مشترعان را با برگزاری آن برانگیخت در دوره قاجار (۱۲۱۰ تا۱۲۴۴) میرزا ابوالقاسم قلی‌میتوفی (۱۲۱۶) از مجتهدان طراز اول، مرصحا (۱۲۱۶) در زمینه ادبی و روانه پرداخت و برگزاری تفریح را جایز شمرد. البته یکی از دلایل مهم به میان آمدن این منظورات شرعی، مخالفت دین مبین گوشه‌هایی تاریخی بر آن‌ها افزود. قوت



و بعد به مخاطب پیام برسایم. در کشور ما برعکس است؛ می‌خواهیم یک شعار بدهیم و یک بیانیه صادر کنیم و از ابزار هنر استفاده می‌کنیم! در حالی که باید کاملا برعکس باشد. یعنی ما ابتدا باید بعد سرگرمی و جذابیت را برای مخاطب در نظر بگیریم. اگر این اتفاق بیفتد، هم در ادبیات کهن، هم معارف دینی و هم تاریخ متأخر خودمان قصبه‌های بسیار جذابی وجود دارد که می‌تواند یکی از مزیت‌های ما نسبت به آثار خارجی محسوب شود.

**یکی از مولفه‌های سرگرم‌سازی برای کودکان و نوجوانان، استفاده از عمو فانتزی و تخیل است. این درحال‌است که دستمایه «شاهزاده روم» یک داستان واقعی تاریخی است. شما چه کردید که در عین ایجاد فانتزی، دچار تحریف و جعل در روایت تاریخی نشدید؟**
درست است. کار ما یک قصه واقعی دارد که خیلی هم حساس است. سعی کردیم شخصیت‌های فرعی ایجاد کنیم که مشکلی پیدا نشود و بار طنز و فانتزی را روی این کارکترها سوار کنیم. ولی اینکه چقدر موفق شدیم، موضوع دیگری است. این یک آزمون بزرگ بود که یک کار دینی و مذهبی، بعد سرگرم کنندگی هم داشته باشد.

**اکران «شاهزاده روم» در لبنان به چه نتیجه‌ای رسید؟**

استقبال خیلی خوبی از فیلم انجام شد.حتی وزیر فرهنگ لبنان هم در افتتاحیه اکران فیلم شرکت کرد. آن طور که اعلام کرده‌اند، «شاهزاده روم» هفتمین فیلم پرفروش سال در لبنان بوده است. آن هم در شرایطی که تعداد سینماهایی که به این فیلم اختصاص داده بودند، بسیار محدود بود.

**گویا حزب الله لبنان هم در تولید این اثر نقش داشت؟ همکاری آنها چطور بود؟**

چند سال قبل قبل انیمیشن کوتاه به نام «میلاذ موعود» ساخته بودم که دوستان حزب‌الله لبنان آن را دیدند و پیشنهاد دادند که اثری ساخته شود که با هموطنان مسیحی آنها در لبنان دیالوگ بیشتری برقرار شود. به خاطر همین هم نسخه عربی این انیمیشن را پیش خرید کردند.

**شما تحویل کرده رشته هنر هستید. فضای دانشگاه‌های هنر را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

متأسفانه این فضا به درد تولید نمی‌خورد. هرکس بعد از پایان تحصیلات وارد کار تولید می‌شود، با انگیزه شخصی و فعالیت و تلاش افرادی کار می‌کند، نه تحصیلات دانشگاهی. یعنی خود افراد باید کار کنند و تحصیلات دانشگاهی هنر، در تولید، خیلی کمک نمی‌کند. چون در دانشگاه‌های هنری، بیشتر مباحث نظری آموزش داده می‌شود.

**شما هم به عنوان هنرمند شرکت‌کننده و هم داور در جشنواره عمار حضور داشتید. نظر تان درباره این جشنواره چیست؟**

به نظرم جشنواره عمار یکی از اتفاقات مثبت فرهنگی سال‌های اخیر بوده است. هرچند به‌جهایی که در این جشنواره شرکت می‌کنند عمدتا نمی‌توانند کار کیفی تولید کنند. چون بودجه ندارد و اکثر هم دانش آموز هستند. این جشنواره برای هنرچوها انگیزه و جسارت تولید فیلم را ایجاد کرده است. این بزرگ‌ترین دستاورد جشنواره عمار بوده است.

**احتمالا یک سری از مخاطب‌های این مصاحبه، نوجوانانی هستند که علاقه مندند به جایگاه شما برسند، اما در خانواده‌های مستضعف و به دور از امکانات زندگی می‌کنند. پیشنهاد شما برای اینکه به جایگاه شما برسند چیست؟**

البته من که در به جای این پیشنهاد می‌دهم. اما مهم‌تر از بچه‌ها، خانواده‌ها و فضاهای آموزشی آموزش و پرورش است. در دوره راهنمایی و حتی دبستان زمان مناسبی است که مشاوره‌های مفیدی به بچه‌ها داده شود که بتوانند راه خود را به درستی انتخاب کنند و کار را از همان ابتدا شروع کنند. چون بعد از دانشگاه، دیر است. روی صحنیم با تشکیلات یا امکانات خاصی برای آنها فراهم شود. با یک دوربین که انگیزه فیلم‌سازی دارند هم با پشتکار و با توکل به خدا باید خیلی زحمت بکشند.

یعنی اولاً اینکه باید مطالعات خودشان را در این زمینه زیاد کنند. ثانيا، جسارت داشته باشند و فیلم بسازند. مهم نیست که چند سالشان هست. نباید منتظر بمانند تا تشکیلات یا امکانات خاصی برای آنها فراهم شود. با یک دوربین معمولی و حتی با دوربین موبایل هم می‌توان فیلم ساخت. باید کارهای مختلف بسازند و تجربه کنند تا یاد بگیرند.

**پروژه بعدی شما چیست؟**

برای پروژه بعدی هم فکرهایی کرده ایم اما هنوز به صورت رسمی نمی‌شود اعلام کرد.

**«شاهزاده روم» خیلی سطح توقعات را از شما بالا برده است. فکر می‌کنید بتوانید در کار بعدی، رو به جلو حرکت کنید؟**

به همین طور است. اما تلاش می‌کنیم تا کار بعدی هم بهتر شود.

**سوسن پایانی؟**

ان‌شاء الله همه به زنده شدن سینمای کودک و انیمیشن در ایران کمک کنند. این حق کودکان ایرانی است که سینما داشته باشند.

## نگاهی به فیلم «نهنگ عنبر» تحمیق مخاطب حسین کارگر

«نهنگ عنبر» از آن دسته فیلم‌هایی است که تنها با تحمیق مخاطب در پی فروش و سود گیشه است و بی!

این فیلم به کارگردانی سامان مقدم، نماد و نمود یک کمدی لوده و نازل است بدون هیچ مفهوم و معنای و حتی بیامی. شاید مخاطب پس از دو ساعت تماشاژی فیلم تنها به این نسیجه برسد که اگر فردی به فرد دیگری علاقه‌مند شد، باید خودشیفنگی خود را کنار بگذارد و علاقه‌اش را ابراز نماید!

«نهنگ عنبر» با داستانی سرهم‌بندی شده بدون هیچ‌گونه منطقی و باورپذیری ممکن شکل گرفته است. اگر کمی دقیق شویم است که بیشتر در تئاتر روضحی یا پیامک‌های فضای مجازی رایج است. نه در فضایی فرهنگی و هنری. گویا مدیران سینمایی نیز راه چاره نشانده دیدار مخاطب، تنها در این دوران بحران مخاطب، تنها راه چاره پارهرزویات‌هایی را می‌یابیم. سینما را بهره‌گیری از همین نوع شوخی‌هایی دانند. همه چیز در این فیلم، به نشانیه‌اترین شکل ممکن برگزار شده است. به عنوان مثال، در سکانس مربوط به دهه ۶۰ هیچ



اوج سطحی‌نگری و سهل‌انگاری فیلمنامه پی می‌بریم. اما آنچه سبب می‌شود تا مخاطب بتواند تا پایان فیلم را دنبال کند، همین ماهیت به شدت تحمیق‌آمیز و تخیل‌برانگیز حاکم بر اثر است. یعنی فیلم با تزریق نوعی سرخوشی و غفلت به مخاطب، دست دل و ذهن او را می‌گیرد و با خود به دنیای به ظاهر فانتزی خودش می‌برد. آنچه به عنوان طنز و کمدی در این‌فلم جاری است، یک خروار شوخی‌های مبتذل و اشتباه است که فضا را روضحی یا پیامک‌های فضای مجازی رایج است. نه در فضایی فرهنگی و هنری. گویا مدیران سینمایی نیز راه چاره نشانده دیدار مخاطب، تنها در این دوران بحران مخاطب، تنها راه چاره پارهرزویات‌هایی را می‌یابیم. سینما را بهره‌گیری از همین نوع شوخی‌هایی دانند. همه چیز در این فیلم، به نشانیه‌اترین شکل ممکن برگزار شده است. به عنوان مثال، در سکانس مربوط به دهه ۶۰ هیچ

صفحه ۸  
دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۴  
۴ صفر ۱۴۳۷ – شماره ۹-۲۱۲۰



پژمان کریمی

**آیا سینمای ایران مرده است؟!**

۷۰ شمسی، در کشور، در همایش‌ها و در بخش‌های جنبی جشنواره‌ها، صحبت درباره این موضوعات فراوان بود: آیا هنر با دین همساز است؟

– آیا دین را می‌توان در قالب هنر عرضه کرد؟

– آیا هنر ایدئولوژیک پذیرفتنی است؟

– آیا سیاست و هنر قابل جمع است؟

– آیا شان هنر، امتزاج با سیاست است؟

– و…

حوزه هنری یکی از همان نهادها بود که – مثلا در همایش «دین از چشم سینما»- تلاش می‌کرد با حضور اندیشمندان و سینماگران، از نقطه نظرات مختلف به موضوع‌های برشمرده، روی آورد.

با تاسف باید اذعان کرد که بحث درباره موضوع‌های یاد شده، منجر به تقویت رویکرد «سه «هنر دینی» و «هنر در خدمت سیاست دینی» نشد.

دلایل این نتیجه را می‌توان؛ طرح بحث در انزوای رسانه‌ای، درگیر بحث نکردن هنرمندان جوان دین‌مدار، میانداری هنرمندان سکولار دانست!

مشحک این است؛ ما در حالی درگیر پاسخ به موضوع‌ها و پرسش‌های برشمرده بودیم و هستیم که اردوگاه صهیونیسم و عمله و وابستگی و وام‌داران هنری و فرهنگی آن، ضمن تقبیح هنر دینی)، هنر را ایدئولوژیک و هنر سیاسی‌س خود؛ با جدیت و سخاوت(۱)، در زمان دستداد و پلتن دین زمینی و سیاست ضد الهی و غیرانسانی، تعریف کرده‌اند وعرضه می‌کنند!

هنوز هنر هفتم، دهه اول تولد خود را تجربه نکرده بود که «توماس آلو ادیسون» فیلم «عرب مسخره» را به پرده سینماها نشانند. در این فیلم، اعراب مسلمان به شکلی بدوی معرفی می‌شوند و تحقیر می‌گردند.

هیچ منتقدی نمی‌تواند منکر وجه سیاسی و عقیدتی فیلم این مخترع جهود آمریکایی شود.

«تولد یک ملت» ساخته فرد جهودی به نام «دیوید وارک گرینفیت» در سال ۱۹۱۵ ساخته شد. این فیلم نژادپرستانه، اولین محصول سینمای حرفه‌ای آمریکا نامیده می‌شود و سازنده آن در ردیف پایه‌گذاران «هالیوود» معرفی می‌گردد.

جذابیت ژانر وسترن، پلی می‌شود برای وحشی نشان دادن سرخپوستان – این ساکنان و مالکان واقعی سرزمین آمریکا – و توجیه سرکوب ایثانی که نمی‌خواستند و نمی‌توانستند اشغال وطن و تعرض به نوامیس خود را تحمل کنند.

امثال «جان فورد» در آثارشان مانند «جستجوگران» سیاسی‌ترین بیانیه‌ها و ایدئولوژیک‌ترین رویکردهای هنری را به نمایش گذاشته‌اند.

به دامنه «امروز» با بگذاریم!

هالیوود چنان با جدیت و البته حرفه‌ای، سیاست و دین و هنر را عرضه می‌کند که مخاطب ساده و از همه جایی خبر که هنر هفتم را آثار سازگرمی شناخته است (بپستر بگوییم؛ یا به او شناساندند!) تصور نمی‌کند. مثلا اثری به نام «آواتار» ساخته «جیمز کامرون»- این عمله صهیونیسم- اثری آخرالزمانی با سیاسی و عقیدتی را به او تحمیل کرده است.

صهیونیسم در تهران، بر این دیدگاه یا می‌فشارد که با هنر، هر اندیشه‌ای را می‌توان لقاآ نمود و اهداف کوچک و بزرگ دینی و سیاسی را می‌توان دست یافتنی پنداشت.

در مقابل، باید حریف و دشمن را از بکار بردن سلاح هنر در نسبت با دین و سیاست، و دانشت و منحرف کرد. باید هنرمند غیرخودی غیرصهیونیست را مجاب کرد؛ «باشان هنر اجل از دین و سیاست است و ایدئولوژیک بودن، یعنی دوری از اصالت و ارزش هنر! هنرمند نباید بازیچه سیاستمداران شود». کار

هنرمند تنها و تنها تصویرسازی و بازآفرینی زیبایی‌هاست و نه فراهم کردن آرزوهای پرچمداران و عالمان دین و قدرت‌جویان سیاسی»!

چنان که پیداست؛ صهیونیسم ابتدا دین الهی را به عنوان برنامه‌ای برای زندگی درست و عقلانی و رستگاری اخروی انکار می‌کند و سپس آن را صرفا به منزله سلیقه و روشی برای زی‌گیتیانه فرو می‌کاهد. صهیونیسم؛ «سیاست» و به طور مشخص سیاست دینی را نیز در اندازه شیوه‌نامه اداره زندگی مادی تعریف می‌کند که لزوما عطیله آن رستگاری تصور نمی‌شود!

واضح است؛ هنرمندی که فریب می‌خورد و در توهم مسموم فضیلت هنر نسبت به باورمندی به دین الهی و مسئولیت اجتماعی و سیاسی، غرق می‌شود، عملا از اعتقاد و تعهد نظری و عملی به ارزش‌های الهی و انسانی خلع می‌شود و هنرش در مسیر نفسانیت قرار می‌گیرد. چنین فردی نه بیدارگر است و نه اندیشه‌ساز. نه فرهنگ را تصویر می‌کند و نه رستگاری را موجب می‌شود.نه نگاهی از آسمان حقیقت دارد و نه دستی برای اشاره به واقعیات هستی!

این روزها در میان اصحاب سینما بحثی در برفته است: برخی می‌گویند سینمای ایران مرده است و برخی می‌گویند

زمنی دارد و برخی قاطعانه آن نشاط آن سخن می‌گویند. مخاطب در این میان می‌پرسد: واقعیت چیست؟! چه کسی راست می‌گوید و در نهایت به کدام گزاره اعتماد کرد؟!

از آن‌چه در بخشی از این مطلب اشاره شد، می‌توان نتیجه گرفت که؛ سینمای منهای هنر متعهد، یعنی سینمای منهای ارزش‌هایی که زندگی طراز انسان خلیفه‌الله و رستگاری انسان را به ارمغان می‌آورد. چنین سینمایی؛ بیدارگر نیست و مسئولیت اجتماعی انسان را نمایش نمی‌دهد و القا نمی‌کند. انسان‌ها را به محبا و غایت حیات اشاره نمی‌دهد. دل‌ها را با یگانگی نمی‌خواند. مخاطب را به طواغیت درون و برون غرضی نمی‌کند.

هنر و سینمای مرده یعنی سترون در برانگیختن انسان در راهی از دام اوهام و التزامات زمینی و تار رخت و دره تسلیم نفس دون!

اگرچه در برخی قاطعانه آن نشاط آن سخن می‌گویند. «ژانسن شیشه‌های»، «سز به مهر» و…سربرمی‌آورد، اما کلیت آن چیست؟!

ایسا صدغه‌مندی و گریز از حدیث نفس، و دوری از مطلوب‌های صهیونیسم، وجه غالب است؟

پاسخ منفی است و نگران‌کننده! یعنی ما در جهت خواست غیرخودی‌ها – خواسته و ناخواسته – گام برداشته‌ایم و غبار غفلت سرپایای ما را فرافرگفته است.می‌توان گفت که؛ «اری سینمای ما هنوز نمرده است…»!اما اگر هنر متعهد بیش از امروز در بساحت هنر هفتم، به جلوه درنیاید، اگر همچنان بر مرکب غفلت بنامیم و برانیم، اگر همچنان هنر را از دریچه القانات صهیونیستی تعریف کنیم و باور نماییم و بدان یا فشاریم – از این حیث – پله! مرگ سینمای ایران فرا می‌رسد!